

## رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس تربیت مغز محور

طیبه ستایش فر

دانشجوی رشته دکترا فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد، ایران

t\_setayeshfar@yahoo.com

### چکیده

هدف کلی از انجام این تحقیق، تعلیم و تربیت اسلامی به تربیت مغز می باشد. پژوهش حاضر با بکارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون و پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی و همچنین متون و تحقیقات انجام شده در حوزه تربیت مغز محور پرداخته است. از کلیه منابع چاپی و الکترونیکی در دسترس، مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش برای جمع آوری اطلاعات، استفاده شد. پژوهش حاضر براساس تأیید زیرمؤلفه هایی از مقوله های سه گانه مدل پیشین یعنی مؤلفه های شناختی-فراشناختی، تعاملی-احساسی و جنبشی-فیزیولوژیک مغز محور توسط مقوله های مستخرج از متون تعلیم و تربیت اسلامی برای تمام برنامه ریزان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور، این امکان را فراهم می نماید که با یک زاویه و دید جدید، در نظام های آموزشی و تربیتی کشور از این یافته های علمی جدید استفاده نمایند. چرا که با توجه به مقوله های موجود در مبانی علمی و عناصر این مدل، می توان گفت که شناخت و تسلط بر ساختار مغز و نحوه تغییرات آن در موقع یادگیری، تفکر و رفتار و حتی در موقع ابراز احساسات، کنترل بر زندگی و روابط درون فردی و برون فردی را میسر نموده و بشریت با این فهم و ادراک، به سمت تحقق انسانیت، صلح و آرامش در جهان، خواهد رسید و اینها همان مؤلفه هایی است که شاید سالها و قرن ها پیش در متون تعلیم و تربیت اسلامی و در بین آرای صاحب نظران و فیلسوفان اسلامی وجود داشته است و تحقیق حاضر سعی در استخراج مقوله هایی داشته است که این مؤلفه ها را مورد تأیید قرار دهد. بنابراین این تحقیق توانسته است که با اسلامی سازی بخشی یافته های علوم انسانی به طور اعم و علوم تربیتی به طور اخص در حوزه تربیت مغز محور، به مربیان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت کشور جهت استفاده از این یافته ها، اطمینان خاطر بخشد.

**واژگان کلیدی:** برنامه درسی، تربیت مغز، علوم اعصاب تربیتی

### مقدمه

امروزه یکی از دغدغه های اصلی تربیتی در دنیا استفاده از روشهای صحیح برای پرورش و آموزش انسانهاست. بشر با مشکلات عدیده ای روبه روست که بیشتر مربوط به جنبه های معنوی انسان و رشد و تکامل آن از ابعاد گوناگون می باشد و یکی از مهم ترین ابعاد معنویت را تربیت و مخصوصاً تعلیم و تربیت اسلامی شامل می گردد که متأسفانه امروزه کمتر به آن در تعلیم و تربیت اهمیت داده می شود و بیشتر به جنبه های علمی و فنی توجه می شود، که نتیجه آن مشکلات فراوان اخلاقی در سطوح مختلف سنی می باشد. از زمانی که خداوند متعال دست به آفرینش مخلوقی پرداخت که هدف اساسی این خلقت را قرار دادن جانشینی برای خود در زمین قلمداد نمود، و علیرغم مخالفت فرشتگان، بر آفرینش انسانی که دارای دو جنبه مادی و معنوی باشد، اصرار نمود، که: من چیزی می دانم که شما نمی دانید، بحث تربیت همزاد این موجود الهی گردید. قرآن و بعث رسولان همراه با برنامه های جامع زندگی ساز و انسان ساز به عنوان هادیان این موجود، از اولین روز خلقت آدم ابوالبشر همراه وی اند و دستورات و نظرات آنان به عنوان منابع اصلی هدایت و تربیت شناخته شده اند.

اسلام به عنوان کاملترین دین در تعلیم و تربیت انسان ها مکتب خاصی دارد که از نوع جهان بینی و انسان شناسی او سرچشمه می گیرد. آفرینش انسان بی هدف و لغو نیست. بدین هدف آفریده شده تا با علم و عمل صالح و اخلاق نیک روح انسانی خود را پرورش و تکامل دهد و برای زندگی خوب و نورانی جهان پس از مرگ آماده سازد.

«اندیشمندان مسلمان از فیلسوفان گرفته تا دیگران، در پرتو تعالیم انسان ساز اسلام به موضوع انسان و کمال و سعادت او راههای وصول به کمال، بسیار پرداخته اند و نظامهایی فکری را برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به انسان و تربیت او بنا گذارده اند. در بنای این نظامها، علاوه بر بهره ای که از آموزه های دینی برده اند، از حاصل اندیشه های فیلسوفان نیز سود جسته اند (کاردان و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از مهمترین ویژگی های انسان، تربیت پذیری است که از آغاز پیدایش شروع شده و در طول تاریخ ادامه داشته و خواهد داشت. تعلیم و تربیت یک نشو و نمای مداوم انسانی است که نسل بزرگتر حاصل آموخته ها و تجربه های خود و گذشتگان را به نسل کوچکتر منتقل می سازد. ترقی و تمدن انسان ها در ابعاد مختلف، معلول همین تعلیم و تربیت است (امینی، ۱۳۹۲).

### تربیت

از تربیت تعریفهای مختلفی به عمل آمده است که مهمترین تعاریفی که از این واژه شده است به قرار زیر است: «واژه ی تربیت از ریشه های ربا، یربوا یا ربی، یرب می باشد. از ربا، یربوا به معنی افزودن، پروراندن و برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک می باشد. از ریشه رب، یرب به معنای پروریدن، سرپرستس، رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و تکامل رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال رسانیدن می باشد، و اگر منظور از تربیت، انسان باشد یعنی فرهیختن انسان» (دفتر حوزه و همکاری دانشگاه، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

هربارت تربیت را رشد بینش افراد می داند، وی مرکز مهمی برای تربیت معلم تأسیس کرد که در آن همین آرمان مورد تأکید قرار می گرفت (مایر، ۱۳۵۰).

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ام را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن (مطهری، ۱۳۷۸).

طرفداران تربیت مبتنی بر مغز، آگاهی و به یادگیری دانش مغز در عمل تربیت را ضرورتی انکارناپذیر می دانند (اسمیلکستین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

با توجه به اهمیت موضوع، محقق در این تحقیق در صدد بوده است که رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی را به مؤلفه های جنبشی-فیزیولوژیکی تربیت مغز محور مورد بررسی قرار دهد؛ لذا در این راستا این دسته از مؤلفه های تربیت مغز محور در متون تعلیم و تربیت اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

### نگاهی به سوابق پژوهشی مرتبط

با توجه به جدید بودن ایده ی انجام این پژوهش؛ تا کنون تحقیقی که به بررسی ارتباط "تربیت مغز محور" و "تربیت اسلامی" یا به عبارتی نگاه تعلیم و تربیت اسلامی به مقوله ی "تربیت مغز محور" پردازد وجود ندارد. لذا در بین پیشینه های پژوهش داخلی و خارجی مورد بررسی؛ پیشینه ای مبنی بر استفاده از این دو مقوله با هم مشاهده نمی شود. بنابراین محقق ابتدا پیشینه های مربوط به رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی از حیث پرداختن به اهداف، اصول، روشها و... که به نوعی ردپایی از موارد مطرح در "رویکرد تربیت مغز محور" در آنها دیده می شود را ارائه نموده است؛ سپس به بررسی مطالعات انجام شده در حوزه تربیت مغز محور پرداخته است. طاهری (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «تربیت در نهج البلاغه» به این نتایج دست یافت که هدف تربیت در نهج البلاغه، پرورش انسانهای صالح و مومنی است که تمام ابعاد جسمی، روحی، مادی و معنوی او در دنیا و آخرت مورد توجه قرار گرفته است.

<sup>۱</sup>- Smelkseten

نتایج مطالعه جنسن (۲۰۱۳) نشان داد که مغز با هر چیزی که مریبان و شاگردان در محیط آموزشی یا مدرسه انجام می‌دهند ارتباط نزدیکی دارد و اندامی که انسان را برای سازگاری با محیط و ارتقای یادگیری توانمند می‌سازد، مغز اوست. در پژوهش که جید و راپورت<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) درباره تأثیر جنسیت بر الگوی رشد عصبی فرد، انجام دادند به این نتیجه رسیدند که الگوی کلی توسعه و رشد عصبی بین پسران و دختران خیلی شبیه است. اما بخشی از دوره‌های بلوغ مغز بین دختر و پسر متفاوت است، به طوری که پسران به طور متوسط بلوغ کامل‌تری را در یک رده سنی نسبت به دختران دارند. لذا با توجه به نتایج تحقیق خود پیشنهاد داده‌اند که اگر دختران و پسران به طور جداگانه‌ای تحت تربیت و آموزش قرار گیرند ممکن است عملکرد بهتری داشته باشند، مخصوصاً که این جداسازی در حول و حوش دوران بلوغ جنسی و نوجوانی انجام شود که تفاوت جنسیتی در رشد و توسعه مغز بالاترین حد خود را دارد. اما عوامل متعددی وجود دارد که بر رشد و توسعه مغز تأثیر می‌گذارد و جنسیت تنها یک نمونه از عوامل تفاوت‌های فردی محسوب می‌شود که ممکن است بر یادگیری و رشد و توسعه مؤثر باشد.

در تحقیقی که دنگوو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در مورد تأثیرات سلامت جسمی و روانی، ورزش، خواب و تغذیه روی عملکردهای شناختی از طریق مغز انجام دادند به معناداری تأثیرات این عوامل دست یافتند. همانطور در نتایج خود تأکید کردند که از همه مهمتر، خواب و بیخوابی می‌تواند بعضی اثرات خاص روی حافظه و سایر عملکردهای ذهنی را توضیح دهد.

در تحقیقی که توماس و ناولند<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) در رابطه با بحث انعطاف‌پذیری مغز در دوران متوالی رشد انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تغییرات در ساختار و اتصالات مغز اشاره دارد بر اینکه دوره‌های حساسی در توسعه و رشد مغز وجود دارد که از کودکی تا نوجوانی و بلوغ ادامه دارد.

لونا و سوینی<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان دادند که آموزش خودکنترلی از زمان کودکی باعث می‌شود که تغییرات شکل گرفته در ساختار شخصیت و عملکرد شخص در کودکی تا نوجوانی و حتی بیست سالگی ادامه یابد و این احتمالاً به خاطر مناطق مغزی درگیر در بازداری بخصوص منطقه کورتکس پیشانی است.

در پژوهشی که اسپرنگر<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) با عنوان تأثیرات موسیقی در تغییرات مغز و سلامت انسان انجام داده است به این نتیجه دست یافت که موسیقی، باعث ترشح آندروفین در مغز می‌شود و بدین ترتیب ناراحتی‌های جسمانی را تسکین می‌دهد. زمانی هم که انسان دردی احساس نمی‌کند، ترشح این آندروفین، باعث می‌شود که احساس مطبوع و فرح بخشی در جسم و روح انسان ایجاد گردد.

## تعلیم

تعلیم یعنی رساندن متعلم به حدی که حقیقت شی مورد نظر را طوری درک کند که بتواند مفهوم مورد نظر را در نفس خویش تصور کند. به دیگر سخن: تعلیم، انتقال عین معلوم به نفس متعلم است.

در حقیقت تعلیم آنگاه تحقق می‌یابد که بتوان متعلم را نسبت به معلوم عالم نامید. بدیهی است که تعلیم اعم از تحفیظ است و آیات و احادیث بیانگر این نکته اند که تحفیظ‌ها تعلیم نیست. تعلیم وقتی است که در عین مفهوم به قلب دانش آموز یا دانشجو منتقل شده و نقش ببندد (روستایی، ۱۳۸۹).

با توجه به تعریف فوق، متعلم می‌بایست قدم به قدم و مرحله به مرحله جلو برده شود و از طرفی متناسب با سن و شرایط و روحیات او تعلیم تنظیم و تبویب شوند و آموزه‌ها باید کاربردی و به گونه‌ای باشند که مورد نیاز و استفاده در زندگی آنان باشد و صرفاً یک سری مسائل تئوری و حفظی فراموش‌شدنی نباشد.

## کاربرد قرآنی تربیت

<sup>۱</sup>- Giedd&Rapoport  
<sup>۲</sup>- Dang- Vu et al.  
<sup>۳</sup>- Thomas & Knowland  
<sup>۴</sup>- Luna & Sweeney  
<sup>۵</sup>- Spenger

در کاربرد قرآنی تربیت، ریشه «ربی» یا «ربو» از آن مورد توجه نبوده است. اشتقاقی از «رب» در مورد انسان نیز به کار رفته، که یکی از معانی آن، مفهوم رشد و نمود جسمی است. معادل این معنی در فارسی «بزرگ کردن» کودک است. یکی از صاحب‌نظران اسلامی با استناد به مفهوم لغوی و ریشه ای تربیت، آن را در امور جسمانی منحصر می‌داند و دو آیه را دلیل آن می‌شمارد: بگو: پروردگارا! هر دو را رحمت کن به واسطه اینکه مرا در خردسالی تربیت کردند (اسرا/۲۴) فرعون گفت: آیا ما تو را در حال کودکی در میان خود نپروردیم؟ (شعرا/۸۱).

او معتقد است تربیت، چیزی بیش از پرورش جسمی نیست و «منحصراً به امور جسمانی اختصاص دارد» (بهشتی، ۱۳۸۵). صاحب‌نظر دیگری با عنایت به همین آیات، معتقد است تربیت در قرآن به مفهوم بزرگ کردن، رشد و نمو جسمی است. حق این است که از دو آیه «رب ارحمها کما ربیانی صغیراً» و «الم نربک فینا و لیداً» مفهوم رشد جسمی مطلق استفاده نمی‌شود. به نظر می‌رسد نمی‌توان بزرگ کردن را به عنوان یکی از معنای تربیت، صرفاً به مفهوم رشد و نمو جسمی در نظر گرفت. در جمله دعائیه، تربیت عام جسمی و روحی مراد است که یکی از ابعاد آن، رشد و نمو جسمی است. فرعون نیز، مدعی تربیت و رشد موسی(ع) در ابعاد روحی، عقلی و جسمی بوده است و نه فقط تربیت جسمی به هر حال در کاربرد قرآنی به جای ریشه «ربو» باید ریشه «رب» مورد توجه باشد. شاید بتوان اشتقاق اکبر را در اینجا مطرح کرد. نگاهی دقیق به قرآن کریم، این مطلب را فراروی ما می‌نهد که اتر و کاملتر طیف گسترده ای از آیات شریفه از ماده «رب» بهره‌گیری و مشتقات گوناگون آن را بویژه در مورد انسان به کار برده است. به نظر می‌رسد مفهوم تربیت اسلامی از ریشه «ربو» یا «ربی» نباشد، بلکه توجه به ریشه «رب» ما را با فضایی فراختر و مفهومی زیباتر و کاملتر روبه‌رو می‌سازد. جالب این است که صاحب‌المفردات نیز اشتقاق آن را ریشه «رب» دانسته است (قائمی، ۱۳۸۳؛ عبدالباقی، ۱۳۷۶).

### تربیت در اسلام

تربیت اسلامی عبارتست از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، جهت ایجاد یک اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند از دیدگاه استاد مطهری «تربیت یعنی پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادها، تا متربی بتواند به حد‌اعلائی کمال خود برسد. تمامی تعاریف علمای اسلامی حول همین تعریف و با تأکید بر هدف کسب قرب الهی بیان شده‌اند» (بهشتی، ۱۳۸۵).

تربیت هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکامل بشر است، به گونه‌ای که به سوی (الله) جهت دهد. تربیت احیای فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی بی‌نهایت است (قائمی، ۱۳۸۹). قرآن: هدایت به صراط مستقیم یکی از معانی تربیت است هر روز در نمازهای یومیه دعا می‌کنیم، خدایا ما را به راه راست هدایت فرما (فاتحه، آیه ۷).

امام علی(ع) در مورد تربیت فرمود: هیچ بخششی از جانب پدر به فرزند، برتر از ادب و تربیت نیکو نیست (دهشیری، ۱۳۸۵).

می‌توان آنچه را اصطلاحاً تربیت اسلامی گفته می‌شود چنین تعریف کرد: شناخت خدا به عنوان رب یگانه‌ی انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن‌دادن به ربوبیت او و تن‌زدن از ربوبیت غیر (باقری، ۱۳۸۴). تربیت دو جنبه دارد: یکی-جنبه روحی، دیگر جنبه اجتماعی و تناسب با وضع زندگی محیط لازم است که به هر دو جنبه، به یک میزان توجه شود تا زبانی حاصل نگردد با تربیت درست باید بین آن دو توافقی حاصل شود و فرزند، روحیه‌ای یابد که در هر جهت، سازگاری داشته باشد. به تعبیر دیگر، حدود تربیت چندین گونه است:

الف- تغییرات بدنی

ب- تغییرات مربوط به اخلاق و عادات و روحیات و در همه‌ی این موارد تربیت باید طرح‌اجرایی شایسته‌ای داشته باشد (مظلومی، ۱۳۸۶).

تربیت دارای معنای گسترده و دامنه داری است که طی آن، استعدادها و قوای گوناگون نهفته در نهاد انسان، برانگیخته و پرورش می یابد تا آدمی به منتهای کمال نسبی خود به میزان طاقت و توانایی خویش دست یابد. برای تربیت نیز بر حسب مکتب و بینش علمای تربیت، تعاریف اصطلاحی متعددی ارائه شده است. معمولاً هر کسی از زاویه دید خاص نسبت به انسان، تربیت را تعریف کرده است (حجتی، ۱۳۸۵).

تربیت فرایندی مستمر، همیشگی، تدریجی، پویا و همه جانبه که طی آن تمام استعدادهای آدمی با استمداد از درون متربی و به مدد کوشش های برنامه ریزی شده در قالب نظامی تعاملی میان مربی و متربی؛ شکوفا می شود و در این فرآیند ظریف به میزان استعداد، توانایی و مساعی او موجبات رشد، پیشرفت و تحول مثبت او را برای رسیدن به کمال شایسته و مختارانه فراهم می سازد.

## اهداف تربیت در اسلام

هدف غایی تربیت آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را به صورت آینده و زندگی سعادت مند فراهم آورد و معراج او را به کمال انسانی آسان سازد. اهداف کلی تربیت مانند موجی از دریای هدف غایی آن سر برمی آورد و همچون مجموعه ای هماهنگ و مرتبط با یکدیگر بر پایه ی این هدف استوار، حول محورش در جنبشند. از هدف های تربیت اسلامی آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی را در صراط مستقیم پرستش پروردگار فراهم آورد و معراج او را به مرحله ی کمال انسانی آسان سازد و راه بازگشت به احسن تقویمی را که بنیاد آفرینش وی بر آن استوار است، هموار کند و به یاری عمل صالح از مراحل و مدارج علم و ایمان بگذراند و هر لحظه بیشتر به خدا که مقصد نهایی این سیر و سلوک است نزدیک کند. به عبارت دیگر، انسان باید چنان ساخته شود که با دوری از رذایل و آلودگی ها، استعدادهای عالییه ی روحی و ملکوتی اش شکوفا شده و چنان به کمالات علوی و فضایل ملکوتی آراسته گردد که استعدادها و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوبی را کسب و با وصال به حق، به سعادت جاودان برسد (چراغ چشم، ۱۳۸۹).

### ۱- پرورش استعدادها

یکی از مراحل اولیه ی تربیت انسان، آگاهی از وضعیت جسمی، عقلی، ایمانی و استعدادهای خدادادی است. راه تقویت و پرورش این استعدادها مانند فضایل دیگر تربیتی مستلزم تمرین و ممارست و مجاهدت است که با فراهم آوردن اندوخته ی علمی لازم، عملی می شود. یکی از هدف های تعلیم و تربیت اسلامی این است که انسان متفکر پرورش یابد (چراغ چشم، ۱۳۸۹).  
تعلیمات اسلامی نشان می دهد که این مکتب مقدس الهی به همه ی ابعاد انسان اعم از جسمی و روحی، مادی معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه عمیق داشته است و نه تنها جانب هیچ کدام را مهمل نگذاشته است، بلکه عنایت خاص به «پرورش» همه ی اینها روی اصل معینی داشته است (مطهری، ۱۳۷۸).

### ۲- پرورش قوه ی ابتکار و تفکر در انسان

قوام و دوام زندگی انسان روی زمین، بر فکر استوار است و هر چه فکر صحیح تر و تمام تر باشد، زندگی بهتر و محکم تر خواهد بود. «مسئله علم همان آموزش دادن است، «تعلیم» عبارت است از یاد دادن. از نظر تعلیم متعلم فقط فرا گیرنده است و مغز او همچون انباری است که فقط معلومات در آن ریخته می شود ولی در آموزش، کافی نیست که هدف این باشد» ولی با رد این نظریه باید متذکر شد:

هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری، متعلم را پرورش و استقلال بدهد و قوه ی ابتکار او را زنده کند (مطهری، ۱۳۷۸).

وظیفه معلم بالاتر از اینکه به متربی آموزش دهد این است که کاری بکند تا قوه تجزیه و تحلیل او قدرت بگیرد، نه اینکه فقط در مغز وی معلومات بریزد که اگر معلومات خیلی فشار ببورد ذهن متربی راکد می شود. (مطهری، ۱۳۷۸).

### ۳- پرورش روحیه ی علمی

در اسلام تعلیم و تربیت تمام شدنی نیست و پایان پذیر نمی باشد. بزرگان اسلام و عالمان اسلامی حتی در جنگ و کارزار با دشمن و یا در بستر مرگ نیز اگر سؤالی که پاسخش در تربیت انسان ها مؤثر بود، مطرح می کردند، برای جواب دادن به آن سؤال وقت می گذاشتند (چراغ چشم، ۱۳۸۹).

اصلاً روح علمی همین است. روح علمی یعنی روح حقیقت جویی، روح بی غرضی و طبعاً روح بی تعصب روح خالی از جمود و روح خالی از غرور. وقتی انسان روایت های زیادی را که در موضوع علم وارد شده است مطالعه می کند، می بیند چقدر تکیه شده است روی این مطلب که یک عالم نباید تعصب داشته باشد، نباید جمود داشته باشد، نباید اجبار داشته باشد که هر چه من تشخیص دادم و فقط همین است. یک عالم نباید غرور داشته باشد و خیال کند آنچه که او دارد تمام علم همان است بلکه باید به اصل و «ما اوتیتم من العلم الا لقلیل» (اسراء: ۸۵) به خصوص توجه داشته باشید که آنچه ما از حقیقت می دانیم بسیار کم است. نتیجه این است که آن روح علمی دارد، از دلیل به مدعا می رود (چراغ چشم، ۱۳۸۹).

### ۴- پرورش روح

روحی که در قرآن به انسان اطلاق شده، در همه ی موارد خدا انتساب پیدا کرده و این انتساب روح به حق تعالی اضافه ی ملکیت است و روح پدیده ای غیر از سنخ بدن است. روح چیزی است که در چهارپایان و انسان ها وجود دارد. از امام محمد باقر(ع) در خصوص تفسیر روح سؤال شده فرمود: «قدرتی از ملکوت و عالم مجرد است» (مطهری، ۱۳۷۸).

اگر انسان در کاری بر روح خود فشار بیاورد، عکس العملی که روح انسان ایجاد می کند گریز و قرار است مثلاً: در عبادت جزء توصیه های پیغمبر اکرم (ص) این است که عبادت را آنقدر انجام دهید که روحتان عبادت را با نشاط و میل و رغبت انجام دهد و وقتی یک مقدار عبادت کردید، نماز خواندید و بیداری کشیدید، دیگر حس می کنید الان این عبادت سخت و سنگین است پیغمبر اسلام (ص) می فرمایند: «دیگر اینجا کافی است و عبادت را بر خود تحمیل نکن، همین قدرتی که تحمل روحت کم کم از عبادت گریزان می شود و گویی عبادت را مانند یک دوا به او دادی، آن وقت یک خاطره بد از عبادت پیدا می کند. همیشه کوشش کن در عبادت نشاط داشته باشی و روحت خاطره ی خوش از عبادت داشته باشد (مطهری ۱۳۷۸).....»

### ضرورت تربیت

نقش تربیت، شکوفا سازی شخصیت واقعی انسان و به فعلیت رسانیدن قوا و استعدادهای نهفته اوست و بدون تربیت و اخلاق، آدمی شخصیت واقعی خود را باز نمی یابد و به حقیقت انسانی و هویت مستقل خویش آگاه نمی گردد و آن چه خارج از این حوزه یافته است «خود» انسانی نیست. زیرا شرافت انسان به روح ملکوتی اوست و امتیاز او بر سایر حیوانات مرهون ویژگی های انسانی وی می باشد که خاستگاه ارزش های معنوی و ابزارهایی برای رسیدن به درجات بلند و سعادت جاودانی اند.

تربیت، روح ملکوتی را به اوج کمال می رساند و در چهره واقعی انسانی را به نمایش می گذارد، از منزل نفس به منزلت حق و از خود پرستی به حقیقت سوق می دهد. تربیت در ساختار شخصیت انسان نقش تعیین کننده ای دارد، بدون آن آدمی به خیر و کمال نمی رسد و به سعادت دنیوی و اخروی دسترسی پیدا نمی کند (شیروانی، ۱۳۸۱).

موضوع تربیت اسلامی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می شود. هدف تربیت اسلامی، پرورش استعدادهای درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده ی اسلامی است. از دیدگاه علامه طباطبائی، هدف تربیت اسلامی، رسیدن به توحید در زمینه ی اعتقاد و عمل است. بنابراین، تربیت اسلامی باید به عبودیت الهی بینجامد (طباطبائی، ۱۳۷۹).

نقش شگفت انگیز تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست، چرا که تربیت می تواند به اوج ارزشها برساند و اگر به غلط افتد، وی را به سقوط نشاند (کاردان و همکاران، ۱۳۸۶).

تربیت صحیح می تواند انسان را در میدان آفرینش به قهرمان خوبیها و پهلوان نیکی ها تبدیل کند و او را خوشبخت کند (مهدویان، ۱۳۸۵).

## تربیت مغز

تربیت مغز عبارت است از یک برنامه تربیتی برای توسعه ی ظرفیت درونی و فطری انسان جهت رسیدن به سلامتی، رفاه، پیشرفت بهینه و آرامش از طریق مدیریت اثربخشی مغز خود.

تربیت مغز یک تجدیدنظر نوین در ذهن سنتی شرقی است و تربیت بدنی تلفیق شده با یافته های علوم اعصاب می باشد. رویکرد تربیت مغز عمیقاً تجربی است. افراد در تمرین های فیزیکی، احساسی و شناختی مشارکت کرده؛ به علاوه در تکنیک های طرز ایستادن و نفس کشیدن، تصویرسازی هدایت شده و بازی هایی که برای بهبود بخشی به آگاهی حسی، کنترل حرکات، تعادل، تعدیل احساسات، توجه، تخیل و خلاقیت طراحی شده است (انجمن بین المللی تربیت مغز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳ a).

حال سؤالی که مطرح است این است که چگونه یک فرد می تواند بر مغز خود تسلط یابد و اینکه بتواند از پتانسیل کامل مغزش استفاده کند؟ این بحث اصلی تربیت مغز است!

تربیت مغز محور یک پارادایم و الگوی جدیدی است که ارتباطاتی میان عملکرد مغز و فعالیت تربیتی و آموزشی ایجاد می شود. زمینه و رشته جدیدی به نام تربیت مغز محور ایجاد شده است. تربیت مغز محور به طور خلاصه می گوید که: «هر چیزی که انسان ها انجام می دهند از مغزشان استفاده می کنند؛ پس باید در مورد مغز بیشتر یاد گرفت و این دانش را به کار بست» از یک مربی انتظار داریم که بتواند از کاربرد یک استراتژی خاص با دلایل علمی یا مطالعات علمی حمایت کند. تربیت مبتنی بر مغز در مورد حرفه ای بودن در دانستن این نکته است که چرا یک استراتژی بیش از بقیه مورد استفاده قرار می گیرد. علمی است در مورد دانسته هایی که نحوه کار کردن مغز را تشریح می کنند (جنسن، ۲۰۱۳).

یادگیری مبتنی بر مغز ناشی از رشته ی جدیدی است که برخی از صاحب نظران آن را «علوم اعصاب تربیتی»<sup>۸</sup> نامیده و برخی هم آن را «علوم ذهن، مغز و آموزش»<sup>۹</sup> نامیده اند (سوزا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱).

یادگیری مبتنی بر مغز یک رویکرد جامع به آموزش است که از تحقیقات اخیر علوم اعصاب استفاده می کند. تربیت مبتنی بر مغز یا علوم اعصاب<sup>۱۱</sup> تربیتی تأکید می کند بر چگونگی یادگیری طبیعی مغز انسان و بر آنچه در مورد ساختار و عملکرد مغز انسان در حال یادگیری در مراحل مختلف رشد وجود دارد، مبتنی است.

آخرین تحقیقات مغز و اعصاب، نشان می دهد که تکنیک های آموزشی و تربیتی که برای مغز آشنا بوده و با آن سازگار هستند یک چارچوب محرک زیستی برای ایجاد آموزش اثربخش تهیه می کند.

همچنین این تئوری کمک می کند به توضیح رفتارهای تکراری یادگیری و یک فرامفهوم<sup>۱۲</sup> است که یک ترکیبی انتخابی از تکنیک ها را در بر می گیرد.

اخیراً، تکنیک های مرتبط با این تئوری، توصیه ی اکید بر این دارند که به معلمان اجازه داده شود که بین یادگیری و زندگی واقعی و تجارب احساسی فراگیران ارتباط برقرار کنند؛ همین طور بین یادگیری و تجارب و سوابق شخصی فراگیران (ویلسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۳).

اگر بخواهید اتومبیل تان را تعمیر کنید، به مکانیک مراجعه می کنید. برای کارهای حقوقی نزد وکیل می روید؛ اما برای درک مغز و چگونگی یادگیری چطور؟ نزد معلم می روید؟ احتمالاً پاسخ منفی است. با این همه، هر ساله میلیون ها پدر و مادر به این

<sup>۷</sup>- (IBREA) International Brain Education Association  
<sup>۸</sup>- Educational Neuroscience  
<sup>۹</sup>- Mind, Brain, and Education Science  
<sup>۱۰</sup>- Sousa  
<sup>۱۱</sup>- Brain-based education  
<sup>۱۲</sup>- Meta-concept  
<sup>۱۳</sup>- Wilson

حرفه‌ای‌ها که به کودکانشان درس می‌دهند، اعتماد می‌کنند و بر این باورند که آنها در مورد مغز و فرآیندهای یادگیری چیزی می‌دانند.

آیا می‌توان مبانی نحوه‌ی یادگیری مغز را خلاصه کرد؟ امروزه از یافته‌های علوم مغز و اعصاب اطلاعاتی بدست آمده که می‌تواند آموزگاران را در انجام بهتر کارشان یاری نماید. با درک نحوه‌ی یادگیری مغز، بهتر می‌توان منابع آموزشی را تخصصی کرد. بدین ترتیب، نه تنها در مصرف هزینه‌ها می‌توان صرفه جویی کرد؛ بلکه مهتر از آن، موفقیت های بیشتری نیز در کار با کودکان به دست می‌آید (جنسن، ۲۰۰۰).

در زیر به ۴ مفروضه اصلی تربیت مغز و سه دسته فواید آن را که توسط انجمن بین‌المللی تربیت مغز در سال ۲۰۱۳ اعلام شده است، اشاره می‌گردد:

- مغز منبع همه رفتار و تجارب، و به ورای تمایزات و رجحان‌های ملی و قومی و مذهبی رفتن است.
- مغز انسان این قدرت را دارد که پاسخ به استرس را در خدمت کنترل سطوح بالاتر عملکرد قرار دهد و به دنبال تحقق هدفی ماورای رفاه بدنی و فیزیکی در انسان باشد.
- تربیت مغز در سطح فردی، پیرامون خودشکوفایی و توانمندسازی است.
- تربیت مغز در سطح اجتماعی، وقف بهبود بخشیدن به نوع دوستی و انسانیت است (انجمن بین‌المللی تربیت مغز، ۲۰۱۳).

### اشاره‌ای به تاریخچه‌ی تربیت مغز

نقش اعصاب در مقایسه با گذشته به میزان فزاینده‌ای در امور روزمره اهمیت یافته است. در سال ۱۶۸۱، توماس ویلیس واژه‌ی نورولوژی را ساخت. در حالیکه یافته‌های اولیه ریشه در جراحی‌های مغز روی بیماران از دهه ۱۹۳۰ داشت. اما بسیاری از اطلاعات از تصاویر و اسکن‌های مغز با تکنولوژی ابداعی قرن ۲۱ به دست آمد (پنینگتون<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۰).

حدود ۲۰۰۰ سال، مدل‌های قدیمی از نحوه کار مغز وجود داشته است. تقریباً تا اواسط سال ۱۹۰۰ مغز انسان با تابلوی برق شهر مقایسه می‌شد. تئوری مغز در دهه ۱۹۷۰ از نیمکره چپ و راست در مغز صحبت می‌کرد. بعدها، پاول مک کلین<sup>۱۵</sup> مفهومی تدوین کرد با عنوان «مغز سه قسمتی»<sup>۱۶</sup> که تکامل تدریجی مغز انسان را در سه قسمت توضیح می‌داد. در تئوری او فرض می‌شد که یادگیری ماندگار در مغز پایین‌تر؛ احساسات و هیجانات در مغز میانه و تفکر منطقی سطح بالاتر در مغز بالایی انجام می‌گرفت. اخیراً بعد از دو نگاه فوق تربیت مبتنی بر مغز نگاه کلی‌تری را در مورد مغز می‌پذیرد (نگاه نظام‌مند گشتالتی که معتقد است کل چیزی بزرگتر از مجموع اجزاست) (ویلسون، ۲۰۱۳).

علوم اعصاب و مغز در سالهای اخیر، رشد سریعی را تجربه کرده، که توسط دولت فدرال در دهه ۱۹۹۰ به عنوان "دهه مغز" نام‌گذاری شده است (جونز و مندل<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۹).

همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ پژوهشگران و متفکران و فعالان اجتماعی نامدار دنیا در سنول کره برای پرداختن به کنفرانس جهانی صلح و بشریت در هزاره سوم دور هم جمع شدند. این کنفرانس اولین کنفرانس بشریت بود که با تأکید به ارزشهای انسانی، کره زمین و مغز برگزار می‌شد.

شرکت کنندگان در پنل‌ها بر روی فلسفه‌ی شهروندی زمین بحث کرده و به جستجوی روشهای علمی کردن آن پرداختند. در اولین کنفرانس بشریت در ژوئن ۲۰۰۱ اعلامیه بشریت به تصویب رسید که این سند خلاصه‌ای است که زمین را سرزمین مشترک بشریت به رسمیت می‌شناسد. این سند بر روی مسئولیت‌های اصلی بعدی بشریت هم در برابر کره زمین و هم در برابر خودشان تأکید می‌کند.

Pennington<sup>۱۴</sup>-  
Paul McClean<sup>۱۵</sup>-  
Triune Brain<sup>۱۶</sup>-  
Jones & Mendell<sup>۱۷</sup>-



- مطابق با بیانیه بشریت یک تغییر اساسی در هوشیاری و توانایی حل مسائل رودروی نژاد انسان لازم و ضروری است. این بیانیه مبنای فلسفی تربیت مغز شناخته شده و بعد از آن به عنوان بیانیه مغز نامگذاری گردیده است.
- در اصل، بیانیه مغز مجموعه‌ای از عبارات و ادعاهایی است که قدرت مغز انسان را تصدیق و تأیید می‌کند.
- من اعلام می‌کنم که من بر مغزم مسلط هستم.
  - من اعلام می‌کنم که مغز من امکانات و پتانسیل خلاق بی‌نهایتی دارد.
  - من اعلام می‌کنم که مغزم شایستگی پذیرش یا رد هر اطلاعات یا دانشی را که ارائه شده، دارد.
  - من اعلام می‌کنم که مغز من عاشق انسانیت و کره زمین است.
  - من اعلام می‌کنم که مغز من آرزومند صلح و آشتی است (انجمن بین‌المللی تربیت مغز b، ۲۰۱۳).

## روش

از آنجا که هدف این پژوهش بررسی رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به تربیت مغز محورا است، پس از لحاظ هدف، بنیادی است. در این مطالعه، برای پاسخ به سوالات پژوهش و مطابق با اهداف، به تحلیل متون اسلامی موجود در راستای بررسی رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به تربیت مغز محور پرداخته شده است. لذا روش تحقیق، کیفی از نوع تحلیل محتوا<sup>۱۸</sup> نظام مقوله بندی قیاسی انتخاب گردیده است. در این تحقیق واحد تحلیل "پاراگراف" بوده است. محقق برای پاسخ به سؤالات، نیاز به مرور متون مرتبط داشته است. یعنی برای بررسی رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به تربیت مغز محور<sup>۱۹</sup>، متون و پژوهش‌های اسلامی در ارتباط با موضوع تربیت به شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد مرور قرار گرفته است. سپس از جمع بندی نتایج به دست آمده، موارد قابل تأیید تعلیم و تربیت اسلامی از بین مؤلفه‌های تربیت مغز محور ارائه گردیده است. پژوهشگر مؤلفه‌های تربیت مغز محور را براساس مدل پیشین برآمده از مؤلفه‌های رویکرد تربیت مغز محور توسط براتعلی و همکاران (۱۳۹۲) انجام داده است؛ که در این مدل رویکرد تربیت مغز محور به سه مؤلفه‌ی اصلی شناختی-فراشناختی؛ تعاملی-احساسی و جنبشی-فیزیولوژیک تقسیم بندی شده است که هر کدام دارای آیتم‌هایی است که در این تحقیق رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به یک دسته از این مؤلفه‌ها (مؤلفه‌های جنبشی-فیزیولوژیک) مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی)، حوزه پژوهش شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده پیرامون مباحث تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر مؤلفه‌های تربیت مغز و یافته‌های علوم اعصاب و مغز مرتبط با حوزه‌های یاددهی و یادگیری بوده است. روش نمونه‌گیری، هدفمند بوده و جهت نمونه‌گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ برای متون مربوط به تربیت مغز محور و منابع موجود در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی از بین متون صاحب‌نظران و فیلسوفان تعلیم و تربیت اسلامی چون شهید مطهری استفاده گردیده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودند از: Science Direct, Springer, Google scholar, البته کلیدواژه‌های اصلی جستجوی منابع تحقیق برای تربیت مغز محور عبارت بودند از: Brain Education, Neuroeducation, Brain and Education and Learning و Brain and Learning و کلیدواژه‌های اصلی جستجوی منابع تعلیم و تربیت اسلامی عبارت بودند از: تربیت اسلامی، اهداف تربیت اسلامی، اصول تعلیم و تربیت اسلامی و... بطور کلی محقق برای جستجوی مباحث مربوط به تعلیم و تربیت اسلامی و این رویکرد با تأکید بر آراء و دیدگاه‌های تعلیم و تربیتی شهید مطهری، آثار و کتب او جستجوهای اصلی خود را انجام داده است.

<sup>۱۸</sup>- Content analysis  
<sup>۱۹</sup>- Content Analysis Qualitative

در تحقیق کیفی، پاتون بیان می کند که شیوه ایده ال نمونه گیری این است که تا رسیدن به مورد زاید (موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی آید) باید به انتخاب ادامه داد. در این پژوهش با انتخاب مورد به مورد و کسب داده ها تا جایی که داده ها تکرار شد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد فقط یافته های قبلی را تأیید می کرد، انتخاب منابع ادامه یافت.

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از شیوه ی فیش برداری از کتب و منابع مرتبط استفاده گردیده است. به عبارتی در این تحقیق، جهت استخراج پاراگرافهای مرتبط با موضوع پژوهش از منابع، فیش برداری شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق، روش تحلیل محتوا با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی بوده است. کاربرد نظام مقوله ای قیاسی چنان است که با نظریه های استخراجی و جنبه های مختلف تحلیل و مرتبط کردن آنها با متن سر و کار دارد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش نظام مقوله ای قیاسی بوده است که از واحد تحلیل پاراگراف استفاده شده است و طی سه مرحله انجام گرفته است :

در این پژوهش نقطه شروع کار، بکارگیری مؤلفه های جنبشی-فیزیولوژیکی رویکرد تربیت مغز محور توسط براتعلی و همکاران (۱۳۹۲) بوده است که در حقیقت مدل پیشینی کار بوده است و پژوهشگر برطبق آن در بین جملات و پاراگراف های مهم مباحث تعلیم و تربیت اسلامی، به دنبال مطالبی بوده است که این مؤلفه ها را مورد تأیید قرار داده است و در آخر مقوله اصلی رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به مؤلفه های جنبشی-فیزیولوژیکی تربیت مغز محور استخراج گردیده است.

در این پژوهش برای بررسی روایی از معیار باورپذیری<sup>۲۰</sup> استفاده شده است. پذیرفتنی بودن برساخته های تحقیق برای سازندگان واقعیت را باور پذیری گویند. به عبارتی فلیک معتقد است که مستدل کردن متن با نقل قول های قابل قبول معیار باورپذیر کردن است (فلیک، ۱۳۹۲). لذا پژوهشگر برای افزایش باورپذیری از استراتژی های زیر استفاده کرده است:

- به طور طولانی مدتی، تحقیقات و داده های مختلف مرتبط با پژوهش را مورد بررسی قرار داده است.
- نشست هایی با افرادی که درگیر تحقیق مذکور نبودند، تا بدین وسیله نقاط کور مشخص شده و درباره سؤالات و نتایج با آنها بحث شود.

### نتیجه گیری

در سالهای اخیر بحث استناد به یافته های حاصل از پژوهشهای حوزه علوم انسانی چون علوم رفتاری و علوم تربیتی انجام شده در سراسر دنیا یکی از مباحث جدی در کشور می باشد. چرا که بسیاری از صاحب نظران و متخصصان داخلی این رشته های علمی معتقدند از آنجائی که چتر فلسفی حاکم بر نظام های آموزشی و تربیتی کشور فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است، بایستی کاربرد یافته های پژوهش های علمی که قرار است در کشور مورد استفاده قرار گیرد از صافی این نظام فلسفی حاکم بر کشور عبور کند و به عبارتی اگر با پژوهش های دیگری در داخل کشور این یافته ها را به نوعی با متون تعلیم و تربیت اسلامی تطبیق داد یا به عبارت کلی تأییدیه از متون اسلامی به این یافته ها گرفت می توان به طور جدی این یافته ها را در نظام های تعلیم و تربیت کشور کاربردی کرد.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق که خود در جهت اخذ تأیید یافته های تحقیقات علمی جدید تربیت مغز محور توسط متون تعلیم و تربیت اسلامی انجام گرفته است می توان گفت دین اسلام دین کاملی است که با فطرت انسان کاملاً منطبق است و این انطباق خود باعث شده که این دین پس از ۱۵-۱۴ قرن بتواند با یافته های علمی که در قرن حاضر متخصصان و محققان حوزه علوم مختلف بدان دست یافته اند، همخوانی داشته باشد. چرا که طبق یافته های این تحقیق مشاهده شد که اکثریت مقولات مربوط به مؤلفه های سه گانه ی تربیت مغز محور با مقولات مستخرج از دل متون تعلیم و تربیت اسلامی هماهنگ می باشد. البته اگر مقوله

ای به چشم می خورد که توسط مقولات مستخرج از متون تعلیم و تربیت اسلامی تأیید نگردیده است یا در بین آنها دیده نمی شود به این دلیل است که بعضی از این مقولات به مربوط تکنولوژیهای علوم مغز و اعصاب بوده که همان شکاف تاریخی را بین قرن‌ها ایجاد می کند، چرا که یک تفاوت اساسی بین قرون و اعصار مختلف دوران زندگی انسان مربوط به پیشرفتهای تکنولوژی می باشد. بنابراین دست اندرکاران نظام های آموزشی کشور می توانند به یافته های تأیید شده تربیت مغز محور توسط متون تعلیم و تربیت اسلامی اعتماد نموده و آنها را در سراسر محیط های آموزشی و تربیتی به اجرا در آورند.

### فهرست منابع

- قرآن کریم. ۱۳۸۷. ترجمه م الهی قمشه ای چاپ دهم. خط عثمان طه. ۶۱۶ صفحه.
- نهج البلاغه. ۱۳۸۷. ترجمه و تفسیر م ت دشتی. چاپ اول. قم: انتشارات امام جعفر عصر. ۷۵۲ صفحه.
- نهج البلاغه. ۱۳۷۶. ترجمه و شرح ع فیض الاسلام. چاپ مکرر. انتشارات فیض السلام. ۱۳۳۴ صفحه.
- ازهری م. ۱۳۸۱. معجم تهذیب اللغه. بیروت: انتشارات دارالمعرفه. ۷۷۰ صفحه.
- باقری خ. ۱۳۹۲. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه. ۲۹۴ صفحه.
- براتعلی م. ۱۳۹۲. طراحی برنامه ریزی درسی مبتنی بر تربیت مغز یک مطالعه کیفی. پایان نامه دکترا. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- بی جازری ا. ۱۳۹۰. اهداف، اصول و روش های تعلیم و تربیت قرآن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- جوادی آملی. ۱۳۸۳. مبادی اخلاق در قرآن. چاپ دوم. قم: انتشارات اسراء. ۲۷۰ صفحه.
- چراغ چشم ع. ۱۳۸۹. تربیت. چاپ اول. تهران: کانون اندیشه جوان. ۱۲۰ صفحه.
- دهشیری ا. ۱۳۸۵. تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام. سازمان تبلیغات اسلامی. ۲۴۸ صفحه.
- دیلمی ا. ۱۳۸۵. اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف. ۲۵۶ صفحه.
- رشیدپور ع. ۱۳۸۲. آشنایی یا تعلیم و تربیت اسلامی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. ۱۵۷ صفحه.
- روستایی ع. ۱۳۸۹. چگونه با مشکلات مواجه و آنها را قدرتمندانه حل کنیم. اصفهان: انتشارات بینش آزادگان. ۸۰ صفحه.
- زرین کوب ع. ۱۳۷۶. کارنامه ی اسلام. چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر. ۲۰۹ صفحه.
- سادات م. ۱۳۸۶. اخلاق اسلامی. مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). ۳۶۵ صفحه.
- سیف ع. ۱۳۸۲. روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش. چاپ هشتم. تهران: انتشارات آگاه. ۷۱۲ صفحه.
- شریعتمداری ع. ۱۳۹۰. اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر. ۲۰۱ صفحه
- شعاری نژاد غ، ۱۳۸۸. مبانی روان شناخت تربیت. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۰ صفحه.
- طبرسی، الف (بی تا). مجمع البیان فی علوم القرآن، تهران: موسسه انتشارات فرآهانی.
- عبدالرحمان نقیب ع. ۱۳۸۹. روش شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت. ترجمه ب رفیعی. چاپ ششم. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۲۳۰ صفحه.
- عبدالحمیدی ح. ۱۳۸۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم. چاپ دوم. قم: انتشارات مهramیرالمومنین (ع). ۲۶۶ صفحه.
- فتحی واجارگاه ک. ۱۳۸۶. اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین، ۲۳۲ صفحه.
- فتحی واجارگاه ک. ۱۳۸۶. برنامه درسی به سوی هویت های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، الکافی م ج ۲. ۱۳۶۷. دارالکتاب الاسلامیه. تهران: انتشارات دارالکتاب الاسلام. ۶۲۸ صفحه.
- کاین ر ن، کاین ج. ۱۳۷۲. مغز و یادگیری، ترجمه م ح، یارمحمدیان و همکاران. اصفهان: انتشارات عروج، ۲۵۰ صفحه.
- کردی ع. ۱۳۸۴. فرآیند انسان سازی در تعلیم و تربیت. چاپ دوم. تهران: انتشارات منصوری. ۱۲۰ صفحه
- کلینی رازی شیخ م. ۱۳۷۲. اصول الکافی. ترجمه سید ج مصطفوی. چاپ دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت السلام. ۳۹۱ صفحه.

- مجلسی م. ۱۳۶۳. بحارالانوار. بیروت: انتشارات موسسه الوفا.
- مطهری م. ۱۳۷۸. تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا، ۴۳۰ صفحه.
- نوری ع. ۱۳۹۱. تدوین چارچوب مفهومی برنامه درسی سازگار با مغز؛ پایان نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس.
- نوری ع، مهرمحمدی، م. ۱۳۸۹. تبیین انتقادی جایگاه علوم اعصاب، در قلمرو دانش و عمل تربیت. تازه های علوم شناختی، ۱۲(۲): ۸۳-۱۰۰.
- وائقی راد م. ۱۳۸۲. اخلاق و تربیت اسلامی، شهر قم: انتشارات فقه. ۳۵۱ صفحه.
- هوشیار م. ۱۳۴۲. اصول آموزش و پرورش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۶۸ صفحه.

- Aimin L. , Yan C. 2011. A Case Study of College English Curriculum Design Under the Social Needs Analysis. *Studies in Literature and Language* , 3 (3): 1-5 .
- Amen DG. 2007. Seven ways to optimize your brain and your life, Available in: [http://www.balancedconcepts.net/7\\_ways\\_optimize\\_brain.pdf](http://www.balancedconcepts.net/7_ways_optimize_brain.pdf) [Accessed 13, 2015 Novamber.
- Anderson DR, Bryant J, Murray JP, Rich M, Rivkin M, Zillmann D. 2006. Brain imaging – An introduction to a new approach to studying media processes and effects. *Media Psychology*, 8: 1-6 .
- Bishop D, Rutter M. 2008. Neurodevelopmental disorders: conceptual approaches. In M Rutter, D Bishop, D Pine, S Scott, J Stevenson, E Taylor, & A Thapar (Eds). *Rutter's Child and Adolescent Psychiatry* (pp. 32–41). Blackwell: Oxford .
- Blakemore SJ, Choudhury S. 2006. Development of the adolescent brain: implications for executive function and social cognition. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 47: 296–297 .
- Blakemore SJ. 2008. The social brain in adolescence. *Nature Reviews Neuroscience*, 9 (4): 267-277 .
- Bostrom N, Sandberg A. 2009. Cognitive Enhancement: methods, ethics, regulatory challenges. *Sci Eng Ethics*, 15 (3): 311–341.
- Butterworth B, Laurillard D. 2010. Low numeracy and dyscalculia: Identification and intervention. *ZDM Mathematics Education, Special issue on Cognitive neuroscience and mathematics learning*, 42 (6): 527-539 .

## **Islamic Education Approach to Brain-based Education**

Taybeh Setayeshfar

**Abstract.** This study aimed to investigate the role of Islamic education approach in the brain-based education. The current research made use of content analysis to study Islamic texts, researches and studies in the field of brain-based education. To this end, all the available published and electronic references and resources were gathered on the basis of the research goals and research questions. The analysis of the data was based on comparative classification. The results were categorized into three groups of cognitive and metacognitive factors in brain-based education, interactional-emotional factors in brain-based education and kinetic-physical factors in brain-based education. Furthermore, the categories were also divided into subcategories, all of which confirm the triple-component model coming out of previous studies. Confirming subcategories of the former triple model i.e. cognitive-metacognitive, interactional-emotional and kinetic-physical factors based on the Islamic texts and resources, this study provides an opportunity for the curriculum designers and educationists to take a new approach towards applying scientific results in the educational system. Regarding the scientific bases and elements of this model, it can be claimed that recognizing and having control over the brain-structure and its changing pattern will facilitate learning, it also might help us control our behaviors and life as well as our inter/intra personal relationships. Having this important recognition and perception, human beings can pave the way for the realization of humanity and world peace. All of these facts have been mentioned in Islamic texts by Islamic experts and authorities centuries ago and the current study aimed to extract and confirm them. Islamizing educational sciences in general and brain-based education in particular, the results of the current study could relieve educationists and authorities of the country's educational system so that they can easily make use of this study's results.

**Keywords:** Curriculum designs, Brain-based education, Educational sciences